

قتل أسلافهم أبي الحسين (عليه السلام) فهل انتهى الأمر؟

نیاکانشان پدرم امام حسین (علیه السلام) را کشتند، آیا قضیه خاتمه یافت؟

في بلد يدّعي المسؤولون فيه أنّ فيه حرية تعبير، ويعيش فيه الجميع بما فيهم الأقليات الدينية براحة، اعتقل أحد الأنصار، كان مريضاً وكبيراً في السن، جريمته بنظر السجانين أنه آمن بالدعوة اليمانية المباركة!!

در مملکتی که مسئولانش مدعی اند در آن آزادی بیان وجود دارد و همه‌ی افراد از جمله اقلیت‌های دینی، با آسودگی خاطر در آن زندگی می‌کنند، یکی از انصار که فردی سالمند و بیمار بود دستگیر شد. از نظر زندانبان‌ها جرم او این بود که به دعوت مبارک یمانی ایمان آورده بود!!

كان عزيزاً على السيد أحمد الحسن (عليه السلام)، حتى إنني سمعته يقول عنه وعن سجّانيه:

این مطلب بر سید احمد الحسن (علیه السلام) گران آمد، به طوری که از ایشان شنیدم که در مورد آن فرد و زندانبانانش فرمود:

[إنَّ ما يفعلونه ظلم عظیم، وسيخسرون كلَّ شيء بسببه]

«آنچه آنها انجام می‌دهند ستمی بزرگ است و به خاطر آن همه چیز را از دست خواهند داد».

على أي حال، كلف السيد أحمد الحسن (عليه السلام) بعض الإخوة بمتابعة موضوعه وبذل السعي والاتصال ببعض المنصفين للإفراج عنه، وأنه قد تم اعتقاله ظلماً وعدواناً وبدون أيّ ذنب فعله، ولكن قوبل سعي الساعين باستهزاء وسخرية وضحك من قبل، إلا أنّ رحمة الله قريب من المحسنين، وفرّج الله عنه بفضلته ورحمته سبحانه.

به هر حال، سید احمد الحسن (علیه السلام) چند تن از برادران را به پیگیری موضوع گماشت تا برای آزادی او کوشش کنند و از طریق برقراری ارتباط با برخی افراد منصف، او را از زندان برهانند؛ چرا که وی از روی ستم و دشمنی دستگیر شده و هیچ گناهی از او سر نزده بود. ولی تلاش افراد پیگیر، با استهزا و مسخره و خنده از جانب روبه‌رو شد. البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است و خداوند سبحان به فضل و رحمتش او را از زندان رها کنید.

انتهی الأمر والحمد لله، إِلَّا أَنْ حَافِظَتِي لَا زَالَتْ تَخْتَرْنَ بَعْضَ كَلِمَاتِهِ (علیه السلام)، التي سیسطرها الزمن عارا یلفّ وجوه المعاندين، إذ یقول عن أذاهم له ولأنصاره:

الحمد لله این قضیه خاتمه یافت ولی هنوز که هنوز است ذهن من، برخی از جملات ایشان (علیه السلام) را در خود نگاه داشته است؛ جملاتی که روزگار آنها را خواهد نگاشت و وقتی از آزار و اذیت او و انصارش سخن بگویند، ننگ سیرت دشمنان را آشکار خواهد کرد:

[نحن ربما نصبر كثيراً، وربما كثيراً جداً، ولكن نتيجة عداة أيّ أحد لنا ربما تكون أسوأ شيء لمن یعادینا سواء دنیویاً أم آخرویاً.

«چه بسا ما زیاد صبر می‌کنیم، بسیار زیاد! ولی فرجام دشمنی هر کس با ما، چه بسا بدترین چیزها برای او باشد چه در دنیا و چه در آخرت!»

قتل أسلافهم أبي الحسين (علیه السلام) في صحراء، فهل انتهى الأمر، أم أنّ الله أخزاهم في الدنيا والآخرة؟

نیاکانشان پدرم امام حسین (علیه السلام) را در بیابان کشتند. آیا قضیه فیصله یافت یا این که خداوند در دنیا و آخرت خوار و ذلیل‌شان فرمود؟!

فوالله، لو أنّ أحمد الحسن وحيداً، قتلوه في صحراء، وأخفوا جثته، لكانت نتیجتهم خزي الدنيا والآخرة ولو بعد حين إن كان أحمد الحسن من الله، فما أجهلهم، هل هم عميان إلى هذه الدرجة؟!

به خدا سوگند اگر احمد الحسن را یکه و تنها در بیابان بکشند و جنازه‌اش را مخفی سازند، اگر او از سوی خدا باشد، عاقبت کارشان خواری در دنیا و آخرت خواهد بود ولو پس از گذشت مدت زمانی

چند. چه قدر اینها جاهل اند!! آیا آنها تا این حد کورند؟!

**فبعد الذي فعلوه في محرم عام ١٤٢٩ هـ قتلوا ومثّلوا وحرّقوا
الجثث وسجنوا، وأرهبوا كل من تطاله أيديهم، ولكن كل الذي فعلوه
لم يطمس دعوة الحق. استخدموا إمكانات دول، جيوش دول، وإعلام
دول لطمس دعوة الحق، وللقضاء على أحمد الحسن وعشرات معه،
ولكن كانت النتيجة أنهم لم يتمكنوا بل فضحوا، أليست هذه آية لهم
لو كانوا يعقلون !!].**

پس از کارهایی که در محرم سال ۱۴۲۹ انجام دادند، اعم از کشتن و مثله کردن و سوزاندن اجساد و به زندان افکندن و ترسانیدن هر کس که دستشان به او رسید، پس از انجام همه‌ی این کارها، نتوانستند دعوت حق را محو و نابود سازند. آنها از امکانات و لشکریان و رسانه‌های چند کشور برای نابود ساختن دعوت حق و یکسره کردن کار احمد الحسن و ده‌ها تن از همراهان او بهره جستند ولی نتیجه آن شد که نه تنها به کام خود نرسیدند بلکه رسوا و بی‌آبرو شدند. آیا برای آنها این یک نشانه و دلیل نیست؟ اگر تعقل کنند و اندیشه به خرج دهند!

* * *